چشم مسلح و رؤیت هلال

حجت‌الاسلام والمسلمین رضا مختاری

در احادیث، احکام و آثاری بر موضوعاتی چون رؤیت، نظر، استماع و مانند این‌ها مترتب شده است. این روایات از یک لحاظ به دو دسته تقسیم می‌شوند ما ابتدا نمونه‌هایی اندک از این دو دسته روایات را نقل و سپس آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

بحث رؤیت هلال با چشم مسلح از مسائل مستحدثه است و در فقه سابقه چندانی ندارد. از این رو، پاره‌ای از استدلال‌ها در این‌باره چندان قوی نیست. مثلاً برخی از طرفداران اعتبار رؤیت هلال با چشم مسلح به همین دلیل اکتفا می‌کنند که رؤیت در روایات مطلق است و شامل رؤیت با چشم مسلح هم می‌شود! و اگر اشکال شود که رؤیت و سمع در روایات، تعیین حد ترخص و روایات قطع تلبیه هم مطلق است، چرا آنجا را با چشم مسلح معتبر نمی‌دانید، در پاسخ در می‌مانند. همچنین مخالفان اعتبار رؤیت با چشم مسلح هم به این دلیل اکتفا کرده‌اند که رؤیت منصرف به رؤیت متعارف در زمان شارع است. ولی دلیلی برای انصراف ذکر نکرده‌اند که می‌توان به آن اشکال کرد.

• روایات دسته اول

الف: رؤیت، نظر

▫ من اطلع فی بیت جاره فنظر الی عورة رجل او شعر امراة او شیء من جسدها...
▫ من نظر الی عورة اخیه المسلم... ادخله الله....
▫ حرم النظر الی شعور النساء... لما فیه من تهییج الرجال.
▫ ایها الناس انما النظر من الشیطان.
▫ النظر سهم مسموم من سهام ابلیس.
▫ فالنظر سبب ایقاع الفعل من الزنی و غیره.
▫ من نظر الی الفقاع... فلیذکر الحسین و لیلعن یزید و آل زیاد.
▫ من قصد الی مصلوب فنظر الیه وجب علیه الغسل عقوبة.
▫ اذا رأی احدکم امراة تعجبه فلیأت اهله؛ فانّ عند اهله مثل ما رأی.
▫ فاذا نظر احدکم الی امرأة تعجبه فلیلمس اهله.

ب: سمع، استماع

من استمع الی فضیلة من فضائله [ای امیرالمؤمنین] غفرالله له الذنوب التی اکتسبها بالاستماع...
▫ من سمع رجلاً ینادی «یا للمسلمین» فلم یجبه فلیس بمسلم.
▫ الاستماع منهن [ای المعنیات] نفاق.
▫ و رأیت القرآن قد ثقل علی الناس استماعه و خف علی الناس استماع الباطل.
▫ استماع الغناء و اللهو ینبت النفاق فی القلب.
▫ کثرة الاستماع الی الغناء یورث الفقر.
▫ ثلاثة یقسین القلب: استماع اللهو...
▫ استماع الاوتار من الکبائر.

این‌ها نمونه‌های بسیار اندک از روایاتی است که در آن‌ها رؤیت و نظر یا سمع و استماع موضوع حکمی قرار گرفته یا اثری بر آن‌ها بار شده است. رؤیت و سمع در همه این روایات مطلق است و شامل انواع و اقسام آن‌ها می‌شود. چه رؤیت و سمع عادی و بدون ابزار که در زمان صدور روایات رایج بوده است. و چه رؤیت با انواع ابزارها مانند دوربین و تلسکوپ، یا سمع و شنیدن از انواع ابزارهای امروزی مانند؛ بلندگو، تلفن، بی‌سیم، ضبط صورت، رادیو و تلویزیون. بنابراین هیچ طلبه‌ای فضلا از فقیه از این روایات چنین نمی‌فهمد که مثلاً شنیدن غنا مستقیماً و بدون ابزار حرام و از رادیو یا تلویزیون حلال است یا فضیلتی که شنیدن فضایل مولا امیرالمومنین بدون ابزار دارد با شنیدن از ابزار منتقی است. همچنین موارد دیگری که نقل شد مانند استماع غنا، سماع استغاثه مسلمان، نظر به نامحرم، نظر به مصلوب.

به هیچ‌وجه نمی‌توان مدعی شد که رؤیت و سمع در این روایات منصرف است به رؤیت و سمع متعارف در زمان صدور یا فقط همان نوع را به ذهن متبادر می‌کند.

اما روایات دسته دوم برخلاف این روایات از این لحاظ مطلق نیستند که پس از نقل نمونه‌هایی به توضیح آن‌ها می‌پردازیم:

• روایات دسته دوم

اذا کنت فی‌الموضع الذی تسمع فیه الاذان فاتمّ، و اذا کنت فی‌الموضع الذی لاتسمع فیه الاذان فقصر.
اذا سمع الاذان اتم المسافر.
الرجل یرید السفر، متی یقصر؟ قال: اذا توارى من‌البیوت.
أليس قد بلغوا الموضع الذی لا یسمعون فیه اذان مصرهم الذی خرجوا منه؟
در این روایات که درباره حد ترخص وارد شده‌اند، مسلما سمع و شنیدن اذان بدون ابزار و متناسب با وضع زمان صدور مراد است و هرگز شنیدن از بلندگو. یا تلفن و بی‌سیم یا رادیو را شامل نمی‌شود.
همچنین توارى یعنی توارى متعارف در زمان صدور و نه با استفاده از دوربین و تلسکوپ و مانند آن‌ها.
اذا دخلت مکة و انت متمتع فنظرت ای بیوت مکة فاقطع التلبیة.
المتمتع اذا نظر الی بیوت مکة قطع التلبیة.
سل عن‌المتمتع متی یقطع التلبیة؟ قال: «اذا نظر الی عراش مکة، عقبة ذی‌طوی»
قلت: بیوت مکة؟ قال: نعم.
اذا رأیت ابیات مکة فاقطع التلبیه.
سألته عن تلبیة المتمتع متی یقطعها؟ قال: اذا رأیت بیوت مکة.
اذا رأیت بیوت ذی‌طوی فاقطع التلبیة
در این احادیث که درباره قطع تلبیه هنگام رؤیت خانه‌های مکه‌اند، رؤیت و نظر موضوع حکمی قرار گرفته است و مسلما نظر و رؤیت به طرق عادی و چشم غیرمسلح مراد است و قطعا چنین نیست که اگر محرم مثلاً از چند فرسخی مکه با دوربین یا تلسکوپ خانه‌های مکه را دید، قطع تلبیه لازم باشد.
سألته عن‌الدود یقع من الکنیف علی الثوب، أیصلی فیه؟ قال: لا بأس الاّ أن توی اثراً فتغسله.
السیف بمنزلة الرداء تصلی فیه ما لم تر فیه دماً.
کل شیء من‌الطیر یتوضأ مما یشرب منه الاّ أن توی فی‌منقاره دماً فإن رأیت فی‌منقاره دماً فلا یتوضأ منه و لا تشرب.
سألته عن‌الفأرة و الدجاجة و الحمام و اشباهها تطأ الغذرة ثم تطأ الثوب، أیغسل؟
قال: إن کان استبان من اثره شیء فاغسله و الاّ فلا بأس.
سألته عن رجل رعف فامتخط فصار بعض ذلک الدم قطراً صغاراً فأصاب إنائه، هل یصلح الوضوء منه؟ فقال: إن لم‌یکن شیئاً یستبین فی‌الماء فلا بأس و إن کان شیئاً بیناً فلا یتوضأ منه.
در این پنج روایت نیز مسلما منظور از توی، رأیت، استبان و یستبین، دیدن اثر نجس با چشم غیرمسلح و رؤیت متعارف زمان صدور منظور است نه رؤیت با میکروسکوپ؛ و هیچ فقیهی فتوا نمی‌دهد که در چنین مواردی اگر اثر نجس روی لباس با چشم متعارف دیده نشد ولی با میکروسکوپ دیده شد، آن لباس باید تطهیر شود.
به عبارت دیگر، رؤیت و سمع در روایات دسته دوم به هیچ‌وجه مطلق نیست و شامل همه افراد آن‌ها نمی‌شود، برخلاف روایات دسته اول.
اکنون باید این موضوع را تحلیل و تبیین کرد که چرا روایات دسته اول مطلق است برخلاف دسته دوم؟
روشن است که صرف ادعای انصراف در دسته دوم و عدم آن در دسته اول یا ادعای تناسب حکم و موضوع به تنهایی دردی را دوا نمی‌کند.
ما در اینجا به تبیین و تحلیل منطقی این روایات می‌پردازیم و سپس روایات رؤیت هلال را بررسی می‌کنیم که، آیا از دسته اولند یا دوم؟
با دقت در مفاد این دو دسته معلوم می‌شود که دسته دوم در مقام تحدید و مشخص کردن اندازه یا مقدار و مسافت و مرتبه خاصی از چیزی است و خود حس یعنی سمع و رؤیت موضوعیتی ندارد بلکه به عنوان مقیاس و ابزار سنجش از آن استفاده شده است.
مثلاً از دیدن خانه‌های مکه در وجوب قطع تلبیه یا شنیدن صدای اذان و دیدن دیوارهای شهر در حد ترخص به عنوان ابزار اندازه‌گیری استفاده شده است. در حقیقت دیدن یا شنیدن در این مورد تنها علامتی برای سنجش یک فاصله طولی مشخص است.
همچنین در روایات دیدن اثر نجس: توی اثراً فتغسله، توی دماً و استبان من اثره شیء، مراد مطلق رؤیت یا مطلق استبانه نجس نیست. بلکه مراد اندازه خاص و وضع و مقدار خاصی از انتقال اثر نجس است که اگر با چشم متعارف و عادی قابل رؤیت باشد، تطهیر لباس واجب است و الا نه، و رؤیت موضوعیتی ندارد بلکه ابزاری برای سنجش خاصی است.
به عبارت دیگر در دسته دوم روایت، سمع و مانند آن‌ها در مقام تحدید و طریق است برای اثبات چیزی دیگر مانند مسافتی خاص یا کیفیتی خاص؛ و به تعبیر فنی طریقیت دارد نه موضوعیت. از این‌رو هیچ ابزار و وسیله دیگری مانند دوربین، تلسکوپ، بلندگو و میکروسکوپ جایگزین آن نمی‌شود؛ چون لازمه و خاصیت تحدید، مشخص و معین بودن است و اگر بنا شد در تشخیص حد ترخص، مثلاً هم رؤیت عادی معتبر باشد هم رؤیت با چشم مسلح، معنایش مشخص نبودن مسافت و مقدار حد ترخص است که منافی با غرض شارع است و معنی ندارد شارع چیزی را معیار تشخیص حد ترخص قرار دهد که طبق یک فرد از آن معیار حد ترخص مثلاً یک فرسخ و طبق یک فرد دیگر از آن معیار مثلاً سه فرسخ باشد.
در موارد مذکور از رؤیت و سمع به عنوان وسیله‌ای برای اندازه‌گیری استفاده شده است و درست به همین دلیل هیچ چیز جایگزین آن نمی‌شود؛ نه‌تنها چشم مسلح و شنیدن با ابزار، بلکه حتی سمع و نظر خارق‌العاده خلاف متعارف؛ هرچند بدون ابزار نیز جانشین سمع و بصر متعارف نمی‌شود همچنان‌که صاحب عروه فرموده و هیچ یک از محشین عروه بر آن حاشیه نزده‌اند:
المدار فی عین الرائی و إذن السامع علی‌المتوسط فی‌الرؤیة و السماع... فغیر المتوسط یرجع الیه کما أنّ الصوت الخارق فی‌العلو یردّ الی المعتاد المتوسط.
علاوه بر سمع و بصر، هرگاه عضو دیگری نیز وسیله‌ای برای سنجش باشد، هرگز مطلق آن مراد نیست و الا نقض غرض و برخلافِ در مقامِ تحدید بودن است. مثلاً در بیان حد کر چندِ شبر معمولی و متعارف مراد است و هیچ فقیهی تفوه نکرده است که شبر در روایت مطلق است و شامل همه انواع آن می‌شود چه شبر خردسال چه بزرگسال، چه بسیار کوچک و چه به‌طور خارق‌العاده بزرگ و همین‌طور موارد مشابه دیگر مانند حد شستن صورت در وضو.
با توجه به این نکته، سمع و رؤیت و مانند آن در دسته دوم طریقیت دارند یعنی طریق و وسیله برای سنجش مقدار خاصی هستند. از این‌رو همان سمع و رؤیت متعارف زمان صدور روایت مورد نظر است و این دسته به‌هیچ‌وجه مطلق نیستند که شامل هر نوع سمع و رؤیتی بشوند.

برخلاف روایات دسته اول، که رؤیت، سمع، نظر و استماع در آن‌ها در مقام تحدید چیز دیگری نیست و طریقیت ندارد بلکه موضوعیت دارد و به مقتضای صناعت فقهی مطلق است. مثلاً نظر به نامحرم چه با دوربین و تلسکوپ و چه با چشم عادی حرام است و از سوی دیگر شنیدن فضائل امیرالمومنین چه از ابزار مثل رادیو، تلویزیون، تلفن، بی‌سیم، بلندگو و چه بدون این‌ها، همه استماع است و مطابق روایت مذکور فضیلت دارد. نیز در موارد دیگر مانند؛ من سمع رجلاً ینادی یا للمسلمین و شنیدن غنا و لهو فرقی بین شنیدن از ابزار مثل رادیو و شنیدن بی‌ابزار نیست چون در همه این موارد، خود شنیدن و دیدن موضوعیت دارد و طریق برای چیز دیگری نیست؛ لذا چیز دیگری غیر از شنیدن و دیدن جانشین آن نمی‌شود؛ برخلاف روایات دسته دوم که طریقیت دارند و چون طریقیت دارند از هر راهی که مقدار مورد نظر آن روایات احراز شود، حکم مترتب می‌شود هر چند سمع و نظری در کار نباشد.

• رؤیت در روایات رؤیت هلال

اکنون به رؤیت هلال می‌پردازیم و آن را از این جهت بررسی می‌کنیم:
▫ ۱. هر چند موضوع احکام شرعی مثل روزه ماه مبارک رمضان است، ولی شارع معیار شروع و پایان ماه را اهله و رؤیت آن‌ها دانسته است؛ بنابراین مسلما شروع و آغاز ماه قمری با صرف خروج ماه از تحت‌الشعاع و محاق محقق نمی‌شود، بلکه باید قدری از خروج ماه از محاق بگذرد که قابل رؤیت باشد. از این‌رو ملاک آغاز ماه‌های قمری رؤیت هلال است. دلیل این مدعا به‌طور مشروح در جلد دوم و چهارم رؤیت هلال آمده است.
▫ ۲. چنان‌که بسیاری از فقیهان بر این باورند حق آن است که رؤیت هلال طریقیت دارد نه موضوعیت؛ یعنی از آنجا که نشانه‌ها و علائم دیگر در شرع مقدس جایگزین رؤیت می‌شوند، هرچند بالفعل رؤیت محقق نشده باشد، می‌فهمیم که رؤیت موضوعیت ندارد. مثلاً با گذشت سی روز از ماه قبل حکم به حلول ماه جدید می‌کنیم و لو بالفعل رؤیت محقق نشود یا کسی استهلال نکند یا بر اثر وجود مانعی هلال رؤیت نشود؛ نیز اگر هلال در شرق رؤیت شود، اول ماه برای نقطه غربی هم‌عرض آن هم ثابت می‌شود هر چند هلال در آن رؤیت نشود. دلایل متعدد طریقیت به این معنی در جلد دوم و چهارم رؤیت هلال به‌طور مشروح آمده و در اینجا به آن‌ها نمی‌پردازیم.
▫ ۳. وقتی رؤیت طریقیت داشته باشد نه موضوعیت، رؤیت تقدیری یا امکان رؤیت نیز مثبت حلول ماه جدید خواهد بود. بدین معنی که هرگاه قمر در وضعی باشد که اگر مانعی در آسمان نباشد و مردم استهلال کنند هلال دیده می‌شود، همین اندازه برای اثبات اول ماه کافی است، بنابراین اگر بر اساس محاسبه قطعی به اتفاق کارشناسان و اهل خبره، ماه در موقعیتی باشد که لو لا المانع لرأی، هرچند دیده نشود، اول ماه ثابت می‌شود. به عبارت دیگر چنان‌که گذشت، صرف خروج ماه از محاق مثبت حلول ماه جدید نیست، بلکه ماه باید به درجه و حدی برسد که قابل رؤیت باشد و این قابلیت رؤیت یا امکان رؤیت یا رؤیت تقدیری و رؤیت‌پذیر بودن ماه ملاک حلول ماه جدید است.
بنابراین از هر طریق و وسیله و ابزاری که یقین یا اطمینان حاصل شد که ماه قابل رؤیت است، مانند سخن منجمان و هیویان، اول ماه ثابت می‌شود هرچند ماه بر اثر موانعی رؤیت نشود، یا کسی استهلال نکرده باشد. ادله این سخن را در باب سوم، اعتبار قول هیوی در رؤیت هلال، آورده‌ام و اقوال دیگران در این موضوع را نیز در جلد دوم و چهارم رؤیت هلال نقل کرده‌ام.
▫ ۴. در بسیاری از ماه‌های قمری وضع ماه بدین منوال است که هلال شب سی‌ام با چشم غیرمسلح قابل رؤیت نیست، ولی با ابزار دیده می‌شود؛ یعنی پس از خروج ماه از محاق هنوز به درجه‌ای نرسیده و آنقدر نور کسب نکرده است که بتوان بدون ابزار آن را رؤیت کرد، ولی با چشم مسلح ممکن است. لازمه این امر آن است که اگر رؤیت هلال با چشم مسلح معتبر باشد، حلول ماه یک روز زودتر ثابت می‌شود و اگر رؤیت بدون ابزار ملاک باشد آغاز یک روز دیرتر ثابت خواهد شد.

ادامه در صفحه بعد